

## بررسی شکاف نسلی در رمان کارت پستال

محبوبه بسمل

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سوادکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، سوادکوه، ایران

### چکیده

بررسی شکاف نسلی از دغدغه‌های اصلی همه ملل در طول تاریخ بشر بوده و همواره توجه مصلحان اجتماعی را به خود معطوف کرده است. تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی مخصوصاً پدیده مهاجرت و به‌طور کلی تغییر و یا تکامل جوامع، تأثیرات محسوسی بر هنجارهای رفتاری نسلها می‌گذارد. مهاجرت، هویت فردی مهاجر را تغییر می‌دهد و مقوله‌هایی همچون زبان، مکان، نژاد و برخوردها را متحول می‌سازد. در مقاله حاضر، تأثیر پدیده مهاجرت بر رمان کارت پستال بررسی شده است. شریفیان در این رمان با بازنمایی چالشها و اختلافات فکری و فرهنگی موجود بین فرزند و والدین کوشیده است تضاد دیدگاه سنتی و مدرن را که در اثر مهاجرت به وجود آمده است به نمایش بگذارد. هر کدام از فرزندان خانواده به جهت آزادی عمل بیش از حد و استقلال افراطی، بی‌توجه به خواسته والدین، راه خود را می‌روند. آنان با تأثیرپذیری مفرط از مبانی غربی و بر اساس اصل فردگرایی، تنها به خود می‌اندیشند و از آنجایی که بر اساس همین مبنای فکری همه عقاید و سلیقه‌ها محترم است، خانواده پروا و ارسلان از هم فرو می‌پاشد.

**واژگان کلیدی:** روح انگیز شریفیان، کارت پستال، شکاف نسلی، مهاجرت.



موضوع شکاف و انقطاع نسلی جزو آسیب‌های پنهان جامعه به شمار می‌رود و همواره از دغدغه‌های اصلی تاریخ بشریت بوده و توجه مصلحان اجتماعی را به خود معطوف کرده است. اما به طور کلی این معضل بیشتر در جوامعی نمود می‌یابد و تاثیر مخرب‌تری بر جا می‌گذارد که مدام دستخوش تغییر و تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند و رو به سوی توسعه، پیشرفت و صنعتی شدن دارند. این تحولات بر هنجارهای رفتاری نسلها، خصوصا بر رفتار نسل جوان، تاثیرات محسوسی می‌گذارد. بنابراین در پی تحولات هر جامعه‌ای قطعا اشخاص آن نیز رنگ عوض می‌کنند و نسل جدیدی پا به عرصه حیات می‌گذارد که کاملا متفاوت با نسل پیشین است. این مساله در اثر مهاجرت، احتمال بروز و ظهور بیشتری در بین نسل‌ها می‌یابد. مهمترین مسئله‌ای که مهاجران با آن مواجه هستند این است که از سویی دوست دارند نظرات، احساسات و باورها شخصی خود را حفظ کنند و از سوی دیگر با فرهنگ و باورهای جدید دیگری مواجه هستند که آنها را ملزم به رعایت و پذیرش خود می‌کند. در غالب موارد دیده شده است که فرد مهاجر، به محض ورود به سرزمین بیگانه، به راحتی هنجارها و دیدگاه‌های حاکم بر جامعه را نمی‌پذیرد و اصرار دارد که ملیت، فرهنگ، سنن و آرای شخصی خویش را حفظ کند؛ در حقیقت، جاذبه‌های اولیه کشور جدید برای فرد مهاجر در هفته‌های اول به پایان می‌رسد و آنچه می‌ماند تقابل میان فرهنگ قومی، ملی، مذهبی...مهاجر و باورها و فرهنگ مردمی است که خواسته و ناخواسته او را پذیرا شده‌اند. فرزندان مهاجرین نیز درگیر مسائل خاص خود هستند. این نسل دوم، افرادی هستند که با پدر و مادر خود اقدام به مهاجرت کرده‌اند یا در سرزمین بیگانه به دنیا آمده‌اند و یا در نتیجه ازدواج فرد مهاجر با فردی که در سرزمین جدید زندگی می‌کند متولد شده‌اند. این نسل بر آن است تا برای به دست آوردن امکانات رفاهی و تحصیلی بهتر فرهنگ گذشته خود را پس بزند و هویت خود را سرکوب کند. همین مساله، باعث بروز اختلافات عمیق فرهنگی در خانواده می‌شود و چالش‌های متعددی را در محیط خانواده ایجاد می‌کند. این بن‌مایه به صورت برجسته در ادبیات مهاجرت مطرح شده‌است.

روح انگیز شریفیان یکی از نویسندگان مطرح معاصر و ساکن لندن است. او در حوزه ادبیات مهاجرت، رمانهای موفقی را به نگارش درآورده است. نخستین رمان وی با عنوان «چه کسی باور می‌کند رستم» توجه منتقدان را به خود جلب کرد. «کارت پستال» نیز رمان دیگری است که برنده جایزه بنیاد گلشیری شد. «آخرین رویا»، «دوران»، «روزی که هزار بار عاشق شدم» و «دستهای بسته» نیز از دیگر آثار اوست.

### پیشینه تحقیق

مهم‌ترین پژوهش‌هایی که مساله شکاف نسلی را در آثار ادبی بررسی کرده‌اند عبارتند از: تفاوت و تقابل نسلها در آثار سعدی (نیکوبخت، رضایی، ۱۳۸۴)، تحلیل مناسبات نسلی در رمان فارسی دو دهه از ۱۳۷۰ - ۱۳۹۰ (عاملی رضایی، ۱۳۹۶)، بررسی شکاف نسلی به عنوان اصلی واقع گرایان در رمان درازنای شب اثر جمال میرصادقی (فروزنده، صادقی و توکل، ۱۳۹۱). پژوهش‌هایی نیز که مشخصا بر رمان‌های شریفیان انجام شده‌است عبارتند از: تحلیل مهم‌ترین بن‌مایه‌های رئالیستی متأثر از محیط غرب در رمان کارت پستال از آثار مهم ادبیات مهاجرت (بمانی لید گشاسی، صادقی ده چشمه، ۱۳۹۸)، بررسی مفهومی عشق در رمانهای ایرانی عامه‌پسند و ادبی دهه ۸۰ (صنعتی، چاوشیان، جهانی، ۱۳۹۰)، تحلیل ساختارگرایانه پیرنگ رمانهایی از چهار زن نویسنده زن (دشتی، ۱۳۹۰)، نقد پسااستعماری آثار روح‌انگیز شریفیان (حیدری، ربیع زاده، ۱۳۹۵).

### مبانی نظری

واژه «نسل» در معنای عام یا از نظر زیستی و شجره‌شناختی به رسته‌ای هم دوره اطلاق می‌شود که در زمانی خاص از دنیایی مشترک بهره می‌گیرند (جاجرمی، ۱۳۷۷). در جمعیت‌شناسی به گروهی از افراد گفته می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند (ساروخانی، ۱۳۷۷). یک نسل به افرادی اشاره دارد که در دوره تاریخی یکسانی متولد شده‌اند؛ کسانی که در فضای اجتماعی- تاریخی یکسانی زندگی می‌کنند و در سالهای شکل‌گیری هویتشان تجربیات



مشابهی دارند (تابش و قاسمی سیاتی، ۱۳۹۰) و موقعیتهای تاریخی خاص و علایق خاص در سطح فردی و جمعی، آنها را از هم تفکیک می‌کند (دانش و دیگران، ۱۳۹۳).

در نظر کارل مانهایم پیدایش نسل اجتماعی با تغییر اجتماعی و سرعت آن مرتبط است؛ به این صورت که جایی که حوادث تازه کم یاب و با تغییر کند باشد اساسا نسل مجزایی ظاهر نمی‌شود بلکه فقط هنگامی که در جایی حوادث اجتماعی و فرهنگی زیاد و سریع رخ می‌دهد؛ به طوری که یک گروه نسلی برحسب آگاهی تاریخی- اجتماعی خود متمایز می‌شود از نسلی حقیقی می‌توان صحبت کرد (توکل و قاضی نژاد ۱۳۸۵؛ دانش و دیگران، ۱۳۹۳). در نظر مانهایم جامعه بشری به طور عادی تغییر و تحولی تدریجی و ناپیدا اما اساسی و جدی دارد که حاصل آن ظهور نسلهایی با ایده‌ها و تفکرات جدید است (دانش و دیگران، ۱۳۹۳).

«شکاف» در جامعه شناسی به آن دسته از تمایزات و تفاوت‌های پایداری گفته می‌شود که در جریان تقابلهای سیاسی- اجتماعی بروز می‌کنند که اصلی‌ترین صورت آن شکاف زندگی مدرن و سنتی است. گریز از سنت باعث ایجاد پدیده‌ای موسوم به شکاف بین نسلها می‌شود (نصر، ۱۳۷۳). تحولات نسبتا سریع اجتماعی و فرهنگی از عوامل اساسی شکاف بین نسلها در نظر گرفته شده‌اند؛ تحولات اجتماعی سریع موجب تغییر نگرشها، ادبیات و نوع تفسیر و قرائتهای گوناگون از پدیده‌های اجتماعی شده‌اند و هر نسل پدیده‌ها را از منظر خود می‌نگرد (نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۶). «شکاف نسلی» در پی فاصله نسلی شکل می‌گیرد و عمدتا پیامد ظهور نظام ارزشی و هنجارهایی جدید و شکل‌گیری گروههای سنی جوان جامعه با مظاهر فرهنگی از جمله مادی و غیرمادی است (همان: ۱۹۷). به عقیده تاجیک نوسازی اجتماعی که جریانی مشتمل بر توسعه علم و تکنولوژی، رشد اقتصادی، توسعه سازمان اجتماعی، دموکراتیزه شدن جامعه، نوسازی ارزشهای اجتماعی و شیوه‌های زندگی شهرنشینی و... است در ایجاد شکاف نسلی موثر است (همان، ۱۳۸۱).

### خلاصه رمان کارت پستال

پروا دختری از خانواده‌ای متمول و سنتی است که به خواستگاری پسر دایی‌اش جواب منفی می‌دهد. در اثر اختلافات پیش‌آمده، پدرش او را در سن ۱۶ سالگی به اجبار به انگلیس می‌فرستد. پروا از جامعه‌ای که او را طرد کرده خشمگین است. او در انگلیس با پسری ایرانی به نام ارسلان ازدواج می‌کند. حال او زنی میان‌سال و صاحب چهار فرزند است. سرگرمی اصلی او درست کردن کارت پستال‌هایی است که تمام احساساتش را در آنها به نمایش می‌گذارد. پس از گذشت سال‌ها اقامت در لندن، هنوز حس تبعید از سرزمین پدری و خشم و بیزاری از خانواده، با پروا مانده‌است. تا جایی که بازگشت ارسلان و مهاجرت دخترش سحر به ایران نمی‌تواند او را برای رفتن به وطن ترغیب کند. پروا با جداسدن فرزندان و رفتن ارسلان و سحر و فوت همسایگان نزدیکش مجبور به فروش خانه‌ای می‌شود که هر گوشه آن، خاطره‌ای از خاطرات خوش گذشته را در خود جای داده‌است. در این مرور ذهنی، اختلاف فکری و فرهنگی فرزندان خانواده با والدین، خصوصا با ارسلان، پدر خانواده مشهود است.

### شکاف نسلها در کارت پستال

مساله شکاف نسلی به عنوان یک موتیف، ترجیع‌وار در رمان کارت پستال تکرار می‌شود. این مساله به موازات بزرگ شدن فرزندان، در ارتباط با استقلال و عدم مشورت آنان با والدین و تصمیم‌گیری‌های غافل‌گیرکننده آنها مجال ظهور یافته‌است و به کرات موجب ناراحتی، تعجب، عصبانیت و ناراحتی پروا و ارسلان شده‌است. «بچه‌ها مستقل بودند. اما استقلال هم در آنها متفاوت بود.» (شریفیان، ۱۳۹۷)

موسیقی‌زدن سحر، تحصیل او در رشته جامعه‌شناسی و سپس ادامه تحصیل در رشته شهرسازی از مواردی است که با نارضایتی ارسلان و با جبهه‌گیری سرسختانه او روبه‌رو می‌شود. «ارسلان با اولین رشته‌ای هم که انتخاب کرده بود موافق نبود. می‌گفت: با جامعه‌شناسی می‌خواهی چه بکنی؟ سحر می‌خندید: بابا دلش می‌خواهد ما همه حقوق بخوانیم» (همان)



در مورد اسکار، پسر بزرگ خانواده و تعیین مسیر زندگی او نیز، اختلاف عمیقی بین پدر و پسر وجود دارد اما در این قضیه نیز، نهایتاً ارسلان تسلیم تصمیم اسکار می‌شود. ارسلان اصرار دارد که اسکار در رشته حقوق ادامه تحصیل بدهد: «ارسلان تقریباً اسکار را مجبور کرد در رشته حقوق درس بخواند. می‌گفت: از این بهتر چه می‌خواهد. یک دفتر با سابقه، با همه وسایل، منشی و کارمند و قوانین ثبت شده شرکتی. کافی است بیاید و کارها را از من تحویل بگیرد. من باید کارم را کنم. چه بهتر که پسرم جای مرا بگیرد» (همان) اما اسکار با این قضیه موافق نبود لذا با آنکه در آغاز بر اساس میل پدر رفتار کرده بود اما «فقط یک سال در رشته حقوق درس خواند. سال بعد خودش را به دانشگاهی دیگر در رشته ژنتیک منتقل کرد.» (همان)

ارتباط تارا با دوست پسرش «رومن» که شخصی انگلیسی است نیز حادثه‌ای است که به وضوح تسلط فرهنگ اروپایی را بر دختر خانواده و تضاد فرهنگی و فکری دو نسل را نشان می‌دهد. این مساله بیشتر بر ارسلان که رسم و رسوم در او عمیق و تهنشین شده بود تاثیر گذشت. (همان) «روزی آمده و راحت و بی‌خیال گفته بود: ماما، اسمش رومن است. با تعجب پرسید: اسم کی رومن است؟ - اسم دوستم ... سعی کرد خونسرد باشد... ارسلان گفت که نمی‌خواهد او را ببیند... تارا اما خیال تسلیم شدن نداشت» (همان). بنابراین مثل دیگر مواقع «ارسلان با تلخی و سکوت زندگی مشترک آنان را پذیرفت و نپذیرفت» (همان) این مساله علاوه بر ایجاد کدورت بین پدر و دختر، ارسلان را که سخت شیفته ایران و فرهنگ ایرانی است، آشفته ساخت و مثل دیگر موارد موجب تنش در روابط پروا و ارسلان شد: «اگر این جناب رومن یک ایرانی بود به همین آسانی قبول می‌کردی؟ - مگر من مقصرم؟ - تو که اصلاً اعتراضی نکردی. انگار راضی هم هستی... - از من می‌خواهی طردش کنم؟ بچه‌ام را؟ - ارسلان با دلخوری گفت: این بهانه‌ها، این، این بیشتر مرا عصبانی می‌کند... این بچه‌ها باید بدانند ما رسم و رسومی داریم» (همان). دوستی تارا با رومن، حتی پروا را نیز که چندان تقیدی به فرهنگ ایرانی ندارد متعجب کرد؛ تا اندازه‌ای که «انگار در دو سرزمین دور از هم، با زبانی بیگانه با هم حرف می‌زدند» (همان)

ارسلان همواره از اینکه نمی‌تواند عقاید خود را به فرزندانش القا کند از آنان و از خود ابراز ناراحتی کرده است: «می‌گفت: یک نسل پرقدرت، قابل و توانا، نسلی سالم و روشنفکر و موفق در برابرمان به صورت نامرئی زندگی می‌کنند که در طول بیست، سی سال جلو چشممان شکل گرفته‌اند در حالی که نتوانسته‌ایم تصویری کامل و مشخص از آنها داشته باشیم. آنچه او را بیش از هر چیز رنج می‌داد، استقلال بچه‌ها بود. آنها به او تعلق نداشتند. زندگی خودشان را می‌کردند و در آن استقلال برای خود حقی قابل بودند که ارسلان نمی‌شناخت» (همان)

پروا نیز اگرچه می‌کوشد رابطه صمیمانه‌ای با فرزندانش برقرار کند اما او نیز روبه‌روز اختلاف جهان‌بینی و نگرش خود و فرزندانش را بیشتر حس می‌کند. مهاجرت سحر، دختر محبوب پروا به عنوان حادثه محوری داستان، به خوبی تفاوت دیدگاه‌های دو نسل را به نمایش می‌گذارد: «آنها روبه‌روز از او دور و دورتر می‌شدند. با همه کوششی که می‌کرد بازهم به پای آنها نمی‌رسید. گاهی حس می‌کرد آنها از دنیایی حرف می‌زنند که برای او دور و بیگانه شده» (همان). رفتن همیشگی سحر به ایران یکی از غافلگیرکننده‌ترین تصمیمات است. پروا که خاطره خوشی از ایران ندارد برای انصراف سحر، نهایت تلاشش را به کار می‌برد، تلاشی که البته ثمره‌ای نداشت: «رفتن سحر همه اولینها را به یادش می‌آورد و اولینهایی که هر یک را جایی، جا گذاشته بود... رفتن سحر اما غیرممکن بود باور کردنش. سحر گفته بود: ماما من مثل تو نیستم. من از روز اول می‌دانستم چه جور آدمی هستم. تو خیلی دیر خودت را شناختی. دیر خودت را کشف کردی» (همان)

## نتیجه

قرن کنونی را قرن مهاجرت و کوچ عظیم انسانها به سایر کشورها برای کسب شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتر قلمداد کرده‌اند. در این دوره، بسیاری از انسانها یا به صورت گروهی و یا منفرد، کشور و موطن اصلی خود را برای به دست آوردن آینده‌ای بهتر ترک کرده‌اند. مهمترین مساله‌ای که مهاجران با آن مواجه هستند وابستگی آنان به باورها و آداب قومی و حفظ میراث فرهنگی است اما از سویی دیگر با فرهنگ و باورهای جدید دیگری نیز مواجه هستند که در تعارض با فرهنگ آنان است و آنها



را ملزم به رعایت و پذیرش خود می‌کند. فرزندان مهاجران، به عنوان نسل دوم، تعلق خاطری به گذشتگان خود ندارند. آنها برای تحقیر نشدن از سوی فرهنگ بیگانه، هویت اصلی و حقیقی خود را سرکوب می‌کنند و برای هم‌رنگ شدن با محیط اطراف، با فرهنگ جدید هم‌سو می‌شوند. این مساله، چالشهای رفتاری جدی‌ای را بین اعضای خانواده مهاجر به وجود می‌آورد. روح‌انگیز شریفیان در رمان کارت پستال، روابط بین اعضای خانواده را از این زاویه مورد بررسی قرار داده‌است. در رمان مذکور، هر کدام از فرزندان خانواده به جهت آزادی عمل بیش از حد و استقلال افراطی، بی‌توجه به خواسته والدین، راه خود را می‌روند. آنان با تاثیرپذیری مفرط از مبانی غربی و بر اساس اصل فردگرایی، تنها به خود می‌اندیشند و از آنجایی که بر اساس همین مبنای فکری همه عقاید و سلیقه‌ها محترم است، خانواده پروا و ارسلان از هم فرو می‌پاشد.

## منابع

- بمانی لید گشاسی، ام‌الله و صادقی ده چشمه، اسماعیل، تحلیل مهم‌ترین بن‌مایه‌های رئالیستی متأثر از محیط غرب در رمان کارت پستال از آثار مهم ادبیات مهاجرت، پژوهشنامه مکتبهای ادبی، شماره پنجم، سال ۱۳۹۸، ۳۷-۶۲.
- تابش، رضا و قاسمی سیائی، علی اصغر، رویکرد فراتحلیل در مطالعه تاثیر دانشگاه بر مناسبات نسلی در ایران، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۱۳، سال ۱۳۹۰، ۴۱-۷۵.
- تاجیک، محمدرضا، جامعه ایرانی و شکاف نسلیها، راه برد، شماره ۲۶، سال ۱۳۸۱، ۲۶۴-۲۸۰.
- توکل، محمد و قاضی نژاد، مریم، شکاف نسلی و رویکردهای کلان جامعه شناختی، بررسی و نقد رهیافتهای نسل تاریخی و تضاد با تاکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، مطالعات جامعه شناختی، شماره ۲۷، سال ۱۳۸۵، ۹۵-۱۲۴.
- جاجرمی، کاظم، ۱۳۷۷، نسل جوان؛ ویژگیهای ساختاری نسل نو، تهران، بنیاد مطالعات آسیایی.
- حیدری، فاطمه و ربیع‌زاده، رویا (۱۳۹۵). نقد پسااستعماری آثار روح‌انگیز شریفیان، فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۷، سال ۱۳۸۹، ۲۹-۵۰.
- دانش، پروانه و ذاکری نصرآبادی، زهرا و عبداللهی، عظیمه سادات، تحلیل جامعه شناختی شکاف نسلی در ایران، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال ۵، شماره ۳، سال ۱۳۹۳، ۱-۳۱.
- دشتی آهنگر، مصطفی، تحلیل ساختارگرایانه پیرنگ رمانهایی از چهار نویسنده زن، ادبیات پارسی معاصر، سال اول، شماره اول، سال ۱۳۹۰، ۳۹-۶۰.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۷، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.
- شریفیان، روح‌انگیز، ۱۳۹۷، کارت پستال، چاپ نهم، تهران، مروارید.
- صنعتی، نادر و چاوشیان، حسن و جهانی، الهام، بررسی مفهومی عشق در رمانهای ایرانی عامه‌پسند و ادبی دهه ۸۰، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره یازدهم، سال ۱۳۹۸، ۶۳-۸۱.
- عاملی رضایی، مریم، تحلیل مناسبات نسلی در رمان فارسی دو دهه از ۱۳۷۰ - ۱۳۹۰، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره دوم، سال ۱۳۹۶، ۸۳-۱۰۵.
- فروزنده، مسعود و صادقی، اسماعیل و توکل، لیلا، بوستان ادب، سال چهارم، شماره سوم (پیاپی ۱۳)، سال ۱۳۹۱، ۱۱۵-۱۳۲.
- نیکوبخت، رضا و روحانی، رضا، تفاوت و تقابل نسلیها در آثار سعدی، دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ۴۱-۶۸.
- نصر، حسین، ۱۳۷۳، جوان مسلمان و دنیای تجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو.
- نیازی، محسن و کارکنان نصرآبادی، محمد، تبیین جامعه شناختی پدیده شکاف نسلیها و علل و عوامل آن، سیاست داخلی، شماره ۲، سال ۱۳۸۶، ۱۸۵-۲۲۷.

## Studying the generation gap in Postcard novel

**Mahboobe Besmel**

Assistant Professor, Department of Persian Language  
and Literature, savadkooh branch, Islamic Azad  
University, savadkooh, Iran.

**Abstract**

Examining the generation gap has been one of the main concerns of all nations throughout human history and has always attracted the attention of social reformers. Social, political, economic developments, especially the phenomenon of migration and the change or evolution of societies in general, have a noticeable impact on the behavioral norms of generations. Migration changes the individual identity of the immigrant and transforms categories such as language, place, race and interactions. In this a And since all opinions and tastes are respected based on this intellectual basis, Parva and Arsalan's family falls apart, the impact of migration Postcard novel is investigated. In this novel, by representing the intellectual and cultural challenges and differences between parentes and child, Sharifian has tried to show the conflict between the traditional and modern views that has arisen as a result of immigration. Each of the family's children go their own way for the freedom of excessive action and extreme independence regardless of the parents' wishes. They are overly influenced by western principles and think only about themselves based on the principle of individualism.

**Keywords:** Roohangiz Sharifian Postcard novel, generation gap, immigration.